



خسارت‌های بزرگ دروغ‌های کوچک!

صفحه ۳ را بخوانید

کوتوله پروری به اسمرقابت سازی!

اثرات کمبود افراد جهان دیده‌ی درس خوانده در سمت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی کشور



چقدر بیت‌کوین نیاز دارید که تا پایان سال ۲۰۲۵ پولدار محسوب شوید؟



نرخ تولید در بزرگترین اقتصادهای جهان روبه کاهش است

یادداشت

ضرورت ایجاد موزه صنعت فولاد کشور

میراث گرانبهای صنعت فولاد کشور را دریابید



صنایع، بسیاری از معادن کشور متعلق به این شرکت و تحت مدیریت آن بوده است و بسیاری از آثار ارزشمند حاصله، هنوز در معادن کشور و صنایع دیگر به چشم می‌خورد و اراده جدی برای جمع‌آوری و حفظ این آثار وجود ندارد. بنابر این داشتن موزه و نمایشگاه دائمی و ویژه از آثار و مفاخر این صنعت بزرگ در جهت حفظ و ماندگاری آنها و انتقال به نسل‌های آینده بسیار ضروری است.

دستاوردها، آثار و مفاخر ارزشمند صنعت فولاد کشور بسیار گسترده است و بیشتر این آثار متعلق به، ذوب آهن اصفهان و مجموعه‌های وابسته است. بجاست که موزه و نمایشگاه دائمی صنعت فولاد در آغوش «مادر صنعت کشور»، پایه‌ریزی و ایجاد شود تا ضمن جمع‌آوری کلیه اسناد و آثار، بتوان دستاوردهای دیگر حوزه‌های صنعت و معدن و صنایع معدنی دیگر را هم در آنجا به نمایش گذاشت.

آلبیژ منحصر به فرد و کارآمد در تولید ابزار کشاورزی، ادوات جنگی و شکار، لوازم منزل و بخشی از معماری از زمان‌های دور تا کنون خود را بطور ملموس نشان داده است و جای نگرانی است که بسیاری از این مصنوعات و میراث ارزشمند که به دست صنعتگران ایران زمین در دوره‌های مختلف تاریخی شکل گرفته، در موزه‌های خارج از کشور نگهداری شوند.

ذوب آهن اصفهان، میراث و «تاریخ صنعتی شدن ایران» تولید و استفاده از آهن و صنایع فولاد بصورت انبوه و کارخانه‌ای از سه قرن پیش موضوع مورد تاکید در ایران بود. با وجود همه‌اصاری که برای راه‌اندازی کارخانه ذوب آهن در ایران وجود داشت، اما همیشه با موانع زیادی از طرف کشورهای استعمارگر و زیاده‌خواه و همچنین عوامل و مزدوران داخلی آنها مواجه می‌شد تا اینکه این آرزوی دیرینه، طی سال‌های ۱۳۴۴ (انعقاد قرارداد) و ۱۳۴۶ (کلنگ‌زنی و آغاز ساخت) در منطقه دشت طبس اصفهان (زرین شهر) محقق شد و در سال ۱۳۵۱ با اولین ذوب‌چدن از مجرای کوره بلند شماره یک، شور، شادمانی و غرور ملی همه کشور را فرا گرفت و مسیر توسعه صنعت فولاد کشور هموار شد.

ذوب آهن اصفهان به عنوان «مادر، صنعت فولاد کشور» و به قول بعضی از بزرگان کشور موتور محرکه و پیش‌برنده صنایع فولاد کشور محسوب می‌گردد.

طی سال‌های گذشته (قبل از خصوصی شدن

صنعت فولاد کشورمان حفظ و نگهداری نمود.

چند نکته در خصوص راه‌اندازی موزه صنعت فولاد کشور:

صنعت فولاد، از صنایع زیرساختی و مهم محسوب می‌شود و به خاطر فواید کثیرش، بسیار مورد حمایت است. این صنعت در توسعه هر کشوری نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. در ایران نیز تولید و مصرف فولاد قابل توجه و تأثیر زیادی بر رشد و شکوفایی کشور داشته و دارد. مصرف سرانه فولاد نشانگر توسعه یک کشور است و ایران در بین کشورهای اسلامی در مصرف سرانه فولاد رتبه اول را دارد.

صنایع فولاد ایران یکی از بزرگترین و مهمترین صنایع فلزی کشور است که در تولید و فرآوری فولادی و محصولات مرتبط، اشتغال زایی و قطع وابستگی به خارج نقش بسیار مهمی دارد.

گرچه استفاده از فولاد در بعضی از متون به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد اما با این حال از قرن ۱۹ میلادی و با ظهور انقلاب صنعتی، فولاد به تدریج سر از صنایع دیگری از جمله خودروسازی یا کشتیرانی... در آورد.

همانطور که می‌دانیم در آثار و منابع دینی از جمله «قرآن مجید» به آهن و منافع زیاد آن اشاره مستقیم شده است. هم اکنون نمونه‌هایی از مصنوعات آهن و فولاد را در موزه‌ها و اماکن بازمانده تاریخی در سطح جهان مشاهده می‌کنیم. مصادیق و نمونه‌های این

مجید مرادیان - روزنامه نگار و کارشناس روابط عمومی

یکی از آرزوهای دیرینه ملت بزرگ ایران داشتن کارخانه فولاد و دست‌یابی به این تکنولوژی بود. این مهم پس از فراز و نشیب‌های زیاد، بالاخره در دهه چهل محقق گردید و توسعه صنعت فولاد کشور را رقم زد.

از آرزوها و ضرورت‌های دیگر در این زمینه، شکل‌گیری موزه ویژه صنعت فولاد کشور و نمایشگاه دائمی از دستاوردها و افتخارات این صنعت می‌باشد. گرچه تفکر راه‌اندازی چنین موزه‌ای در دهه هشتاد در «مادر، صنعت فولاد کشور» یعنی ذوب آهن اصفهان، کلید خورد و خبر آن نیز در بعضی رسانه‌های کشور منعکس گردید. اما به دلایل مختلف، از جمله عدم وجود ساختار و برنامه هدفمند، و از طرفی با تغییر مدیریت‌ها و وجود سلبات شخصی مدیران ادواری در این حوزه و عدم حمایت جدی متولیان حوزه میراث فرهنگی، تاکنون این مهم مسکوت مانده است. متأسفانه در طی گذشت پنجاه و هفت سال از راه‌اندازی ذوب آهن اصفهان، بخاطر عدم وجود ساختار مکانی مناسب جهت حفظ آثار و دستاوردها، بسیاری از این میراث‌های گرانبها از دست رفته و برخی هم که موجود است روبه فراموشی و نابودی است. از اینرو می‌طلبید که تا دیر نشده، با ایجاد مکانی مناسب در گنجینه‌ای ویژه، کلیه اسناد و دستاوردهای صنعت فولاد کشور، بویژه ذوب آهن اصفهان، حفظ و نگهداری شود.

شایسته است که مسئولین و متولیان مربوطه از جمله: وزارت خانه‌های میراث فرهنگی، صمت، تعاون، کار، شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعضای محترم هیات دولت، این موضوع مهم را در دستور کار قرار دهند تا بتوان از دستاوردهای ارزشمند

اثرات کمبود افراد جهان‌دیده‌ی درس‌خوانده در سمت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی کشور



محمد قاسمی | رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

حکومت‌ها هر آن‌می‌گویند من از آن طرف حمایت اجتماعی را ندارم، از آن طرف هم دشمنی‌های بیرونی است، نکند که تعادل فعلی را به خطر بیندازم. مسئله‌ای هم که در این میان تعارض‌ها در سطح بین‌المللی به وجود آورده، این است که دسترسی به سرمایه‌ها و تکنولوژی... راه‌به‌شدت محدود کرده و خود این هم یک قید مهم برای اجرای راه‌حل‌ها است. به این ترتیب این گونه است که هدف می‌شود گذراندن شب و روز و سال. وقتی نگاه می‌کنید، الان کسی منتظر برنامه نیست؛ یعنی در دستگاه‌های اجرایی، کسی خلأی را برای این موضوع احساس نمی‌کند چون همه درگیر مسائل روزمره هستند.

در حال حاضر توسعه کشور عملاً نسبت به امنیت و بقا تبدیل به موضوعی فرعی شده است. زمانی که تبدیل به یک موضوع فرعی می‌شود، باعث می‌شود که نظام سیاسی و اداری به دنبال برنامه توسعه نباشد. بار مسائل روزمره هم زیاد است. حجم طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام، حجم تعهدات دولت نسبت به گروه‌ها و اقشار که به هر حال احساس رضایت نمی‌کنند. معلمان، بازنشستگان و... حجم منابعی که لازم است برای اصلاح نظام پانکی، حجم منابعی که لازم است برای اصلاح منابع آب و خاک، حجم منابعی که لازم است برای حفظ سطح تولید فعلی نفت و گاز و برق.

این قدر از این مسائل وجود دارد که شاید بتوان اسمش را گذاشت مصائب؛ یعنی دیگر از جنبه مسئله عبور کرده است. طبیعتاً وزیر نیرو در این شرایط تمام فکر و ذکرش این است که چه کار کند که خاموشی به خانه‌ها نرسد. وزیر نفت می‌گوید چکار کنم که کمبود گاز به خانه‌ها نرسد. دیگر حتی اینکه چه بلایی بر سر تولید می‌آید، مهم نیست. اینکه چکار کنیم که آب شرب قطع نشود، مسئله شده است. سطح مسائل دیگر مسئله توسعه نیست. مسئله بقا است و چون به اینجا رسیده است، عملاً فضا برای برنامه‌ریزی برای توسعه به شدت محدود شده است. اصطلاح بسیار درناکی که در بسیاری از مجامع سیاست‌گذاری تکرار می‌شود

و ما به صورت مرتب می‌شنیدیم این بود که «این مسائل اساسی و ساختاری است، الان وقت پرداختن به این‌ها را نداریم.»

شما به همین‌سند منتشر شده تحت عنوان برنامه هفتم نگاه کنید، موضوعات در حد رفع مشکلات روزمره است و برای آینده به جز یکسری هدف‌گذاری‌هایی که طرق دستیابی به آن روشن نیست حرفی ندارد. اساساً فاصله زیادی بین خواسته‌ها و داشته‌ها و توانایی‌ها وجود دارد. کشوری که یک دهه رشد اقتصادی نداشته است و سرمایه‌گذاری نکرده است، نمی‌تواند ادعا کند یک باره به پنج سال می‌خواهد به طور متوسط ۸ درصد رشد کند اما اخلاق ایرانی می‌گوید اگر کمتر از برنامه قبلی هدف‌گذاری کنم، عیب است! دوم اینکه، سیاست‌مداران نظام کارشناسی و اداری کشور را به اسارت گرفته‌اند. اگر کسی از من بپرسد که مهم‌ترین کاری که باید انجام شود چیست؟ همین است که نظام بروکراسی و اداری را از اسارت سیاست‌مداران نجات دهید و برویم به سمت شایسته‌سالاری.

انتصابات چقدر مبتنی بر شایسته‌سالاری است؟ آیا نظام اداری ما می‌تواند به صراحت در مقابل سیاست‌گذار و سیاست‌مدار بایستد و بگوید نمی‌گذارم سد گتوند در اینجا ساخته شود که آن فاجعه به بار آید؟ نمی‌گذارم شما راه‌آهن فلان جا به بهمان جا را بسازید. چون نه بار در این مسیر وجود دارد و نه مسافر. من زمانی که پیوست شماره ۱ بودم که طرح‌های عمرانی است نگاه می‌کنم، ذلت نظام کارشناسی و تسلیم آن‌ها را در مقابل سیاست‌مداران رami بینم. اینکه شما صد ها طرح راه، صد ها طرح آب، راه‌آهن و... را دارید. این‌ها چطور آمده است؟ چه کسی کارشناسی کرده است؟ آیا واقعاً راه‌آهن‌هایی که ما ساختیم، توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی، مالی داشت که حالا داریم در جاهای دیگر می‌سازیم؟ این همه فرودگاهی که ساخته شد. اگر بخواهیم نگاه کنیم به این که چه شد که به این روز افتادیم و کشور به طور مداوم دچار چالش‌های روزمره شده، بخش مهمی از آن برمی‌گردد به این نکته دوم.

نکته سوم کیفیت قانون‌گذاری در کشور و نقش پارلمان است. قانون می‌خواهد رفتار افراد را

قاعده‌گذاری کند. در بسیاری از موارد قانون‌گذار ما رفتار افراد را با رفتار اشیاء یکسان می‌پندارد. فکر می‌کند همان قواعدی است که در اینجا دستور می‌دهند و در آنجا عمل می‌شود؛ یعنی تصویری که در اینجا وجود دارد، بیشتر مکانیکی است؛ بنابراین به طور مرتب قانون گذاشته می‌شود راجع به موضوعاتی که می‌دانیم از اساس با این نوع قانون‌گذاری حل نمی‌شود. در حوزه توسعه ما با ذهن و اعتقاد و اعتماد افراد و جامعه سروکار داریم. در اقتصاد تولیدکننده و مصرف‌کننده و نهاد بازار مطرح است. اینکه هر چه به ذهنمان می‌آید می‌نویسیم و فکر می‌کنیم که مسائل کشور با احکام قانونی که از ذهن این‌و آن درمی‌آید، حل می‌شود، این گونه نیست.

اصولاً تصور ساده‌اندیشانه آن است که می‌توان اقتصاد خوب و قدرتمند داشت بدون آنکه نظام سیاسی خوب، نظام حقوقی خوب و نظام اداری خوب و روابط بین‌الملل خوب و متعادلی داشته باشیم! متأسفانه بسیاری در ایران تصور می‌کنند که پارلمان باید کار کارشناسی درباره مسائل انجام دهد. این تصور موجب شده است که نمایندگان محترم فکر کنند که می‌توانند جایگزین دستگاه‌های کارشناسی کشور شوند و قوانین ناکارآمد نتیجه آن است. در اجرا هم مباحث مهمی وجود دارد که برمی‌گردد به اینکه برای اداره امور عمومی، تا چه حد توانستیم نیرو تربیت کنیم که بتواند مناصب عمومی را به نحو خوبی اداره کند. در اینجا می‌توانیم بگوییم با فقر عجیبی روبه‌رو هستیم.

وقتی به تجربه دهه چهل نگاه می‌کنیم و معجزه اقتصادی دهه چهل که در رشد نسبتاً پایدار دورقمی، تورم سطح پایین و... منعکس شد را تحلیل کنیم، تقریباً بین همه اجماع وجود دارد که یکی از عناصر اصلی این تحول، برمی‌گردد به وجود افراد جهان‌دیده، تأکید می‌کنم، افراد جهان‌دیده‌ای که درس هم خوب خوانده بودند و در سمت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی حضور داشتند. می‌توان گفت که در این حوزه، کشور کاری برای کادرسازی نکرده است. اینکه فرد را از پشت میز دانشگاه برمی‌داریم می‌گذاریم در مناصب؛ یعنی اینکه عملاً در همان ابتدا با دست خودمان امضا

می‌کنیم که شما برو تاز یاد بگیر. برو آزمون و خطا کن، بالاخره یک چیزی از آب درمی‌آید. این می‌شود کل ماجرا. ارتباط دستگاه‌های کارشناسی کشور با دستگاه‌های متناظر بین‌المللی هم به دلایل مختلف قطع است و یادگیری عمدتاً منحصر شده است به اینترنت!

یک موضوع تکمیلی و پایانی هم وجود دارد. آن هم مربوط به خود مفهوم توسعه می‌شود. چون این همان نخ‌سیب است که تمام نظام‌ها را، نظام اداری، نظام تقنین و نظام اجرا را به هم وصل می‌کند. اینکه ما قرار است به کجا برویم و به چه اهدافی برسیم؟ ما در چشم‌انداز ۱۴۰۴ یک تصویری از جامعه ایده‌آل ارائه شده است. چند مسئله مهم درباره این تصویر جامعه ایده‌آل وجود داشت: اول اینکه چقدر مردم به آن اعتقاد داشتند؟ دوم، مسئولانی که از چند کانال تأیید صلاحیت شده بودند، چقدر پایبند بودند که آنجا برسیم؟ سوم اینکه اگر اهداف آنهایی بود که در سند چشم‌انداز گفته شد، سیاست‌های داخلی و خارجی چگونه باید برای دستیابی به آن‌ها هماهنگ شد و مورد استفاده قرار گرفت؟ آن‌که دیگر فرصتی تا پایان آن نیست و می‌دانیم که عقب‌ماندگی‌ها در حوزه‌های مختلف وجود دارد. در حوزه‌های مختلف تفاوت‌هایی هست اما در کل عقب هستیم.

حداقل در مورد اقتصاد برای همه واضح است که با آنچه هدف‌گذاری شده بود فاصله زیاد است. در اینجا ما واقعاً باید به این سؤال جواب بدهیم که اساساً تصور جامعه مطلوب چگونه باید ساخته شود؟ آیا می‌تواند از بالا به پایین دیکته شود؟ چون در دستیابی به این، تک‌تک احاد مردم باید مشارکت داشته باشند. اینکه حتی در مورد خود کلمه توسعه اجماع نظر وجود ندارد؛ در حالی که ما می‌گوییم این چیزی نیست جز یک تحول تدریجی در کیفیت زندگی اجتماعی، در کمیت و کیفیت اقتصاد و در دسترسی گروه‌های مختلف به قدرت از طریق رقابت سیاسی در چارچوب ساختار سیاسی و حقوقی هر کشور. به نظر من می‌رسد که شاید این مهم‌ترین خلأ باشد. همین موجب شده است که بقیه موضوعات هم سروسامان نگیرد. برگرفته از مصاحبه با اتاق ایران آنلاین

یادداشت



فرهاد مومنی | اقتصاددان

۱ اگر شما در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که سلطه غیرمعارفی از مناسبات رانتی حاکم است و با بحران شفافیت روبرو است، راه نجات، توسل به رویکرد اقتصاد سیاسی است چراکه این رویکرد از طریق برجسته کردن بزرگان و بازیگران هر بازی سیاسی، می‌تواند فریب کاری را به حاشیه ببرد.

۲ مابایک‌آمیزه پیچیده‌ای از ملاحظات اقتصاد سیاسی درونی و بین‌المللی مواجه هستیم و اگر به موقع اقتضات آن را متوجه نشویم، صدمه خواهیم داد. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که گویا سطوحی از نظام تصمیم‌گیری‌های کشورمان به تسخیر گروه‌های دلال، رباخوار و رانتی درآمده است. در چنین شرایطی از طریق اسنادی مانند پیش‌نویس برنامه هفتم، می‌توان دریافت که ناتوانی بسیاری وجود دارد.

۳ چقدر جای تاسف دارد که بسیاری از رسانه‌های حکومتی طوری رفتار می‌کنند که گویی آنها هم بازی

کوتوله‌پروری به اسم رقابت‌سازی!

مهار این ناتوانی، منابع انسانی و مادی غیرمتعارفی صرف می‌کنند. در زمینه نااطمینانی‌های ناشی از تعامل انسانی می‌توان دید ناراضی‌ترین گروه‌های اجتماعی ما، کارگران، معلمان، دانشجویان، کارمندان و بازنشستگان هستند که هم شریف‌ترین افراد جامعه هستند و هم برای آنها هزینه صرف شده است.

۵ در فاصله سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۶۲۰ میلیارد دلار به اقتصاد ایران تزریق شده اما خالص اشتغال ایجاد شده در بخش صنعت ایران منفی ۴۱۵ هزار شغل بوده است. کل رسانه‌های حکومتی و رسانه‌های مافیایی یک بار هم به این موضوع نپرداخته‌اند و نهاد‌های نظارتی پر شمار کشور هم در برابر آن سکوت می‌کنند. در تاریخ چهارم اسفند ۱۴۰۱، رسانه‌های کشور گزارشی به نقل از مرکز آمار منتشر کردند که می‌گوید، یک میلیون و سیصد هزار شاغل صنعتی از بخش صنعت خارج شده‌اند.

خورده‌اند و با تعمد مسائل کم‌اهمیت را پررنگ می‌کنند. اگر تولید به حاشیه رانده شود، فوری‌ترین خطر محتمل، دست‌نشانده‌گی و به استعمار نشانده‌گی است. در تاریخ ۱۰ هزار ساله بشر هرگاه ساختار قدرت به تولید پشت کرده، پیامدهایی نظیر سلطه نظامی‌ها، سلطه هنجارهای مبتنی با تعصب و رویه‌های اداره صدقه‌ای و سفله‌پرورانه جامعه رخ می‌دهد. اگر حکومتی صادقانه در جست‌وجوی اعتدالی فرهنگی است، باید بنیبه تولیدی خود را ارتقا دهد چون امنیت اقتصادی موجب تحولات فرهنگی می‌شود.

۴ پشت کردن به تولید، جامعه را در مهار نااطمینانی‌های با منشا طبیعت ناتوان می‌کند. گزارش‌های رسمی حکومتی می‌گوید تعداد موارد وقوع سیل در سال‌های اخیر نسبت به تاریخ برنامه‌ریزی ایران، افزایشی بوده است در حالی که در توجیه

۶ اگر مملکت سر و صاحب داشت باید وضعیت فوق‌العاده اعلام شود. شما چه کرده‌اید که یک فرد می‌گوید اگر مسافر کشی کند بهتر از این است که در خدمت تولید کشور باشد؟ از طریق واژگون‌سازی مفاهیم کلیدی، می‌گویند برخورد با فساد می‌تواند ما را با خروج سرمایه روبرو می‌کند. کدام غیرمولدی است که سرمایه خود را در داخل کشور نگه داشته است؟ شما نمی‌بینید که در دو دهه گذشته بالغ از ۲۰۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده است؟ عین این فریبکاری درباره مفهوم رقابت هم مطرح است.

۷ در ادبیات توسعه، رقابت می‌تواند مخرب یا توسعه‌گرا باشد. من تعجب می‌کنم از حکومت‌گران که به اسم رقابت‌سازی، کوتوله‌پروری می‌کنند. چرا ما رقابت عادلانه در ورزش کشتی را می‌فهمیم به این صورت که یک فرد ۵۰ کیلویی نمی‌تواند با فردی ۱۰۰ کیلویی رقابت کند اما نمی‌فهمیم باید یک هم سطحی برای رقابت عادلانه وجود داشته باشد؟ در کجای دنیا از طریق واردات و تقدیم کردن بازارهای ملی به پیشرفته‌ها، توان رقابت خود را افزایش می‌دهند؟

خسارت‌های بزرگ دروغ‌های کوچک!

کیارش آهنگر-سیماکوشان

شاید ساده بنظر برسد. شاید بیشتر منتظر تحلیل‌های عجیب و غریب پیچیده هستیم. شاید وقتی صحبت از عوارض دروغ‌گویی می‌شود اکثر یاد موعظه‌های آنجنانی حوصله‌سربری افتند که دیگر خریدار چندان ندارند. شاید مورد دروغ‌گویی را صرفاً امری اخلاقی می‌پنداریم که در این دنیا چندان جزایی نصیب کسی نمی‌کند و می‌پنداریم که دروغ‌گوییان راست راه می‌روند و کک‌شان هم نمی‌گزد و از خیلی‌ها بهتر زندگی می‌کنند! اما اینجا و به بهانه‌ی مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های اخیر ریکاردو سایینتو سرمربی (دیگر باید گفت) سابق استقلال دربارہ مسائل که با آن مواجه بوده و اشاره‌ی مستقیمش به «دروغ» شنیدن از سرپرست مدیرعاملی باشگاه باعث شد تا نگاه‌ی بیندازیم به اتفاقات مشابهی که در این سالها به اعتبار و سرمایه‌ی این بنگاه ورزشی اقتصادی و البته فرهنگی (!) لطمه وارد کرده است. البته این دست از اتفاقات منحصر به این تیم نیست. دست گذاشتن روی این نقطه نه فقط بخاطر این است که دروغ بد است! صحبت از عادت‌ی فراگیر است که دامن مدیریت بسیاری از بخشها را گرفته. عادت‌ی که موربانوار سرمایه‌ی فرد سازمان را به فنا می‌دهد و دومینوار مشکلات متعددی را ایجاد کرده یا دامن می‌زند. بروز کلاف‌های پیچیده و سردرگم مدیریتی یا انواع فشار مضاعف در اداره‌ی یک بنگاه چه اسمی بهتر از جهنم می‌تواند داشته باشد؟! هنگامی که در روزگاری شخص اول اجرایی دولت و تنی چند از اعضای کابینه‌ی اوبه گفتن خلاف واقع متهم شدند برخی از بزرگان برآشفتنند و چنین وصله‌ای را به تن دولت‌مردان برنی تابیدند و ناصواب می‌پنداشتند. آن روزگار شعار «دروغ ممنوع» در انتخابات دلخوش نبود چرا که در مملکتی که ادعای دست اندر کارانش رعایت اصول اخلاقی و اعتقادی است بروز و ظهور انواع پنهان کاری، وارونه‌نمایی و جعل در چنین سطحی بخشودنی نمی‌نمود.



نکنه اینجا است که در میان اکثر روزنامه‌نگاران ورزشی یا غیرورزشی کمتر کسی پیدا میشود که دست روی اثرات رواج دروغ‌گویی میان مدیران و افراد شناخته شده در حوزه ورزش بگذارد و گویندگان را مورد بازخواست قرار دهد. شاید از ذهنیت‌هایی با افق‌های دید محدود و دست‌های آلوده انتظار چندان نمی‌رود که عمیق تر و با جسارت بیشتری به ریشه‌یابی مسائل بپردازند و کلیشه‌ها را کنار بگذارند. جالب اینجا است که انگار دوز حساسیت کسانی که قرار است بر نقاط تاریک و پنهان چراغ بیندازند و شرایط موجود را به نقد بکشند اقتدر پایین آمده که دیگر نسبت به چنین اخباری واکنش عجیبی نشان نمی‌دهند. نوعی بی‌حسی فراگیر بر فضای رسانه‌ای حاکم است که چیزهای دیگری برایش ارجحیت دارد. پیگیری اخبار و نتایج معمولی، مصاحبه‌های معمولی از آدم‌های همیشگی که سالهاست هیچ حرف تازه‌ای جز یکی دو خاطر یا ابراز حسادت و چرت و پرت‌هایی از این دست برای گفتن ندارند. و این گونه روزنامه‌نگارانی که می‌توانند با انعکاس درست و پی‌گیری مؤثر مشکلات به حل شدن بخشی از مسائل کمک کنند؛ خود تبدیل به مسأله‌ای دیگر شده و با پوشش سطحی اخبار صرفاً به خبررسانی جیره گیر بدل می‌شوند و امورات می‌گذرانند. نتیجه بزرگتر البته هنگامی هویدا میشود که مخاطبان میلیونی رسانه‌های ورزشی در سطحی نازل اتفاقات را دنبال میکنند و «همینی که هست» را «همانی که باید باشد» می‌پندارند. کوله‌ها دور برمی‌دارند یا بر کار می‌مانند و گماشته می‌شوند و در سیکلی باطل هزینه‌های تکراری اندر تکراری برگرده‌ی جیب باشگاهها (بیت‌المال سابق!) و روان و اعصاب ملت فاکتور می‌شود.

در حلقه دروغ‌گویان!

بگذارید حلقه‌هایی آشکار از وضعیت‌هایی را مرور کنیم که طی این سالها در میان برخی خبرهای ورزشی «دروغ» در آنها خودنمایی کرده! اغلب اخبار مربوط به دوره استراماچونی در استقلال به نحوه فسخ و پرداخت غرامت او مربوط میشود اما شاید رد دروغ را بتوان از همان روزهای اول پیدا کرد که دستیارانش برای



بازدید از امکانات باشگاه آمده بودند. آن هنگام که در بازدید از «مجموعه ورزشی انقلاب» (زمین چمن) آن مجموعه را از متعلقات استقلال معرفی کردند! در خبرها آمد که این دو دستیار با دلخوری کشور را ترک کرده‌اند. تصور کنید مدیر یا کسی که همراه آنان بوده شاید برای این که کم‌نیاید و بزرگ جلوه کند گفته این مجموعه برای استقلال است و نه در کرایه استقلال! به همین سادگی! همین زمینی که به گفته یوسف دانشیار دستیار استراماچونی، «یک روز می‌گویند تمرین انقلاب است یک روز می‌گویند تهرانسر و مربی باید دفتر خود را تغییر دهد که مثلاً در تهرانسر دفترتی نداشت. مثلاً کارگران مجموعه انقلاب می‌گفتند پول مان را نداده اند و ما نیز زمین را کاور نکرده ایم.» به گفته استراماچونی نیز سر همین مسئله دلخور بود که چرا پول این‌ها را نداده اند که حال زمین را آب گرفته و نمی‌تواند تیمش را تمرین دهد! مسائل سخت‌افزاری فوتبال که می‌گویم همین است که مربی اصطلاحاً Training Centre ندارد که هر روز به آن جا برود. مثلاً این مسائل برای او عجیب بود زیرا تجربه کار در ایران را نداشت.

به گفته دانشیار دستیار و بعد مترجم استراماچونی: متأسفانه ما مرتباً می‌گویم باشد، این کار را انجام خواهیم داد ولی کاری نمی‌کنیم و خارجی‌ها نیز به این مسائل عادت ندارند. [مسائل] چیزهای بسیار ساده‌ای بودند که اگر بگویم، خنده دار هستند. حتی در مورد رخت‌آویز اتاق مربیان سه ماه بود کاری صورت نمی‌گرفت. آن قدر می‌گفتند فردا فردا که خودشان نیز یاد گرفته بودند و به حالت جوک می‌گفتند هرچه می‌گویم جواب می‌دهند tomorrow tomorrow. چندین بار نیز بابت خط کشی زمین ناراحت شده بود. می‌گفت اینجا کجاست، زمین کلف است یا پارک؟

و از قضا همین «تومارو تومارو» گفتن‌هایی این سالها باعث شده که مشکلاتی تکراری همچنان با برجا بمانند و زیر انبوه مسائل دیگر حل نشده باقی بمانند. ببینید دانشیار درباره دوره استراماچونی چه می‌گوید: به نظر بزرگترین مشکلات مربوط به مسائل سخت‌افزاری و مدیریتی بود. بحث مدیریتی فقط مدیرعامل نبود و در هر قسمتی، چیزهای کوچکی وجود داشتند. به نظرم استراماچونی دیگر خسته شد بود که یک سری امکانات ساده و بیسبک نیز مهیا نبود و فکر می‌کنم عمده‌ترین دلیل، همین مسئله بود. استراماچونی در جلسات نیز می‌گفت من در المپیا کوس چند ماه پول نگرفته بودم و فکر می‌کنم یک سری مسائل کوچک روی هم جمع شدند و در نهایت ایشان نیز دیدند می‌تواند این وضعیت کار کند. همین مسائل برای استراماچونی عجیب بودند. با کنار هم قراردادن این حلقه‌ها در کنار مجموعه‌ای از اظهارنظرها مثل این که: فتحی دو روز قبل از جدایی مربی استقلال: استراماچونی می‌ماند یا سعادت‌مند: استراماچونی گفت آنقدر با من عکس گرفته‌اند و در قطر سواستفاده کرده‌اند (اشاره به سفر قبلی و مذاکره خلیل‌زاده رئیس هیات‌مدیره

است. ۵- من اعلام می‌کنم که هر خبری درباره درخواست من برای قرارداد سه ساله یا افزایش غیرمنطقی در دستمزد و داشتن اقامت‌گاه لاکچری یا خودرو و خانه لاکچری یا هر درخواست غیرمنطقی از طرف من یا نماینده من کاملاً دروغ است. دادن چنین اطلاعات غلطی برای منحرف کردن افکار هواداران بیشتر یک بهانه جهت شانه خالی کردن از مسئولیت قرارداد یک مربی در دسترس است که ترجیح می‌دهد به جای اینکه ساکت باشد و دستمزدش را دریافت کند، تمام تلاشش را صرف می‌کند تا از بازیکنان، کادرفنی و هواداران وفادار باشگاه به شکل خستگی‌ناپذیر دفاع کند. «در مواقع بحران، برخی از افراد ماهیت واقعی خود را آشکار می‌کنند و برای حفظ قدرت خود به دروغ‌های غیرقابل تصور متوسل می‌شوند. وقتی فشار بالا می‌رود، نقاب یکپارچگی آنها محو می‌شود و جای خود را به سیل دروغ می‌دهد... من حتی یک پاسخ هم از کریمی دریافت نکردم. نه حتی یک «متأسفم» یا «متشکرم». هیچ چیز، فقط وعده‌های توخالی و دروغ.

بگذارید صریح بگویم؛ من نه ۲۰۰ هزار یورو اضافی درخواست کردم و نه قرارداد ۳ ساله. از حجم دروغ‌های کریمی شوکه شده‌ام. قول‌هایی در مورد تمدید قرارداد داده شد. وعده‌هایی که هرگز محقق نشد. درخواست من یک قرارداد ۲ ساله ساده و یک افزایش دستمزد اندک بود. نه کمتر، نه بیشتر... دروغ‌های کریمی - مردی بدون سابقه فوتبالی - ثابت شده است. این مردی نیست که با حسن نیت عمل کند. این مدیریت، شایسته استقلال نیست.»

پای یک دروغو در میان است!

البته در پاسخ به مربی که ۸ ماه حقوق نگرفته کریمی هم سایننتو را علاوه بر دروغ‌گویی به دائم‌الخمر بودن هم متهم کرد! «من وقت ندارم پاسخ دروغ‌های ایشان و شارلاتان‌هایی که با ایشان کار می‌کنند را بدهم. اگر بنده در رابطه با درخواست افزایش دستمزد سایننتو دروغ می‌گویم، چرا وکیل ایشان که یک ایرانی است و در جریان مذاکرات قرار داشت، در این مدت نگفت کریمی دروغ می‌گوید؟ سایننتو وکیل ایرانی داشت و می‌توانست بگوید من دروغ گفته‌ام. سایننتو کسی که او را به ایران آورد، دروغ می‌گوید.» در هر صورت انگار پای یک دروغ‌گو در میان است!

دروغ، دروغ است!

گاهی به نظر می‌رسد گوینده نمی‌داند که حرفی که می‌زند دروغ محسوب می‌شود. مثلاً به قطع خبر از موضوعی میدهد که بعداً جور دیگری پیش می‌آید. انکار بیشتر مبل شخصی خود یا مجموعه‌اش را ملاک اظهار نظر قرار داده است. یا در برخی موارد یک «تکه کلام» یا وعده‌ی ظاهراً معمولی که به آن عمل نمی‌شود در عمل دروغ به حساب می‌آید.

نکنه اینجا است انگار در مراد داخلی یا بین فارسی زبانان این خصیصه به چشم نمی‌آید یا متأسفانه عادی به نظر می‌رسد اما در ارتباط مثلاً یک مربی خارجی با مدیر ایرانی عملاً این موضوع خودش را نشان می‌دهد. امیدوارم نگویید که ایراد از خودشان است! خیر! صحبت اعتبار کلام، صحبت اهمیت آنچه به زبان می‌آورد و صحبت فاصله‌ی بین حرف تا عمل است. این قانونی فراگیر است نه محلی یا بومی! از شرط به حساب آمدن در جهان است. از مفاهیم پایه‌ای ارتباطات است. و البته بساد آور توصیه‌ای کهن مبنی بر به راستی و درست‌ی رفتار کردن است که متأسفانه این روزها فاصله‌ی زیادی با آن وجود دارد.



اینگونه مذاکرات ۲۰۲۲ برای توقف جنگ خنثی شد آرزوی شکست آمریکا در اوکراین

ایلیاج مغنایر



هیچ توجیهی برای آمریکا و حتی روسیه در راستای اشغال هیچ کشوری وجود ندارد. با این حال، پیروزی آمریکا به این معنی است که سیطره بر جهان باقی خواهد ماند و گسترش خواهد یافت و وقوع کودتاها ممکن است، ملت‌ها مجازات خواهند شد و جنگ بعدی علیه چین خواهد بود. به همین علت است که اکثر کشورهای جهان که آشکارا تحت سیطره ناعادلانه آمریکا بودند برای مجازات روسیه به ائتلاف آمریکاییوستند.

دولت ایالات متحده آمریکا خود و متحدانش را فراتر از قانون می‌داند و پاسخوگویی را به رسمیت نمی‌شناسد به اندازه‌ای که دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده، رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری را تحریم کرد و از محاکمه هر سربازی از هر کشوری، هر کاری که هم انجام دهد، جلوگیری می‌کند.

بدون این که نیاز داشته باشیم به تاریخچه پرتاب بمب اتم به روی ژاپن یا جنگ ویتنام که در آن میلیون‌ها نفر کشته شدند یا کودتاهای متعدد در سراسر جهان مراجعه کنیم می‌بینیم که ایالات متحده آمریکا هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد به ویژه از زمانی که جنگ جهانی دوم به پایان رسید؛ یعنی زمانی که تلاش کرد نفوذ خود را در درجه اول در اروپا و سپس در جهان گسترش دهد و با اتحاد جماهیر شوروی مبارزه کند.

آمریکا نبرد امروز خود در اوکراین را برای جلوگیری از سیطره پوتین بر چند هزار کیلومتر نمی‌داند بلکه فرصتی می‌داند تا رهبری بر اروپا را بازپس گیرد و به جهان یادآوری کند که آمریکا رهبر جهان است و به چین پیام برساند.

رئیس جمهور ولادیمیر پوتین در حالی که اسناد امضا شده از سوی مذاکره‌کننده ارشد اوکراین را در خلال میانجیگری رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه به سران کشورهای آفریقایی که به دنبال توقف جنگ در اوکراین بودند، نشان داد اعلام کرد که او در

شی جین‌پینگ واقعیات را درک می‌کند شورش روسیه، کابوسی برای چین

پیتر اشتورم

گروه شبه نظامی تاسیس کند و امکانات لازم را نیز برای او و گروهش فراهم کرد.

بنابراین بقیه جهان نباید به تسهیل سیاست داخلی در چین امیدوار باشند چون گمان کنند آنچه در روسیه اتفاق افتاد ممکن است تلنگری بر متحد چینی اش باشد. با این حال، خوب است که شی جین‌پینگ از تجربه ولادیمیر پوتین به عنوان یک فرمانده جنگ به مثابه فرصتی برای فکر کردن در مورد اینکه آیا باید به تایوان حمله کند یا خیر، استفاده کند. اوکراین به مدت ۱۶ ماه ثابت کرده حتی کسانی که به نظر ضعیف تر هستند نیز می‌توانند سرسختانه مقاومت کنند و متجاوز را به دردمسردی بیانند. چه کسی می‌گوید که تایوان نمی‌تواند همین کار را انجام دهد، حتی اگر این جزیره کوچک به طور قابل توجهی ارضی کمتری نسبت به اوکراین داشته باشد؟

اگر تایوان آشکارا به خوبی مسلح باشد، می‌تواند تأثیر مفیدی بر طرفداران جنگ طلب در پکن داشته باشد. اگرچه به نظر می‌رسد رهبر چین بیش از رئیس جمهوری روسیه واقع‌گراست و مناسبات و تدابیر لازم را به خوبی درک می‌کند.

فرا نکتور تر آلگما ینه
 سایوتونگ (آلمان) / تحریریه
 دیپلماسی ایرانی



واشننگتن تاب قمار بر سر باکورا ندارد آذربایجان، نمایی درخشان بنیادی پوسیده



خارجه آمریکا دگرش‌هایی را که در میان شرکایش رخ می‌دهد، درک کند، چه رسد که با آنها سازگار شود. له‌همین دلیل است که این همه در ارائه توصیفی درست از ترکیه و پاکستان به عنوان کشورهای متحدانی محوری برای آمریکا، تردید و ابهام وجود دارد، گویی در چند دهه گذشته هیچ دگرشی رخ نداده است. همین الگو اکنون بر سر آذربایجان تکرار می‌شود.

مقام‌های آمریکایی بطور رسمی جمهوری آذربایجان را به عنوان یک کشور عرفی، طرفدار غرب و باثبات توصیف می‌کنند. در واقع اما رژیم علی‌اف شاید ضعیف‌تر از آنی باشد که به نظر می‌رسد. سی سال دیکتاتوری حیدر علی‌اف و اکنون هم الهام علی‌اف، آذربایجان را به کشوری ظاهر فریب تبدیل کرده است. چنین پوسته‌ای چقدر نازک است.

فقر در حاشیه‌های باکو رشد می‌کند و در حالی که الهام علی‌اف و حلقه داخلی اش شاید میلیاردها دلار سرمایه داشته باشند، درآمد سرانه آذربایجان از ارمنستان پایین‌تر است، یعنی از درآمد سرانه کشوری که نه نفت دارد و نه گاز و از دو طرف هم تحت محاصره است. دیکتاتوری علی‌اف، بر دو

ستون استوار است: حمایت ترکیه و بریتیش پترولیوم. علی‌اف و اردوغان هر دو از یک ملت و دو دولت سخن می‌گویند. ترکیه، علی‌اف را از یک سستون فقرات اطلاعاتی و نظامی برخوردار می‌سازد. با این حال استحکام این رابطه هرچه بیشتر به استحکام رابطه دو دیکتاتور گره می‌خورد. پس از مرگ اردوغان، هیچ تضمینی نیست که ترکیه همچنان از آذربایجان مراقبت کند بویژه با توجه به محدودیت‌های شدید مالی اش.

هرچه علی‌اف پرخاشگرتر می‌شود و آذربایجان در فساد و خودکامگی به سطح ترکمنستان و اریتره نزدیکتر، بریتیش پترولیوم هم بیش از پیش پیوندهایش با آذربایجان را با نگرانی‌هایی که از آسیب به وجهه خود دارد، موازنه می‌دهد. هرگونه چرخشی در استفاده از سوخت‌های فسیلی به دلیل سیاست‌های آب و هوایی، و پایان جنگ روسیه-اوکراین می‌تواند اهمیت آذربایجان را یک شبه دود کند.

هم اکنون هم بیشتر گازی که آذربایجان به ترکیه و غرب می‌فرستد، یا از ایران می‌آید یا روسیه، و یا کوبرای انجام تعهداتش به تفرات افتاده است. همچنین آذربایجان از نظر نظامی آنقدرها کفایت ندارد که بتواند ثبات و نفوذ کشور را حفظ کند. برای مثال ارتش عراق در زمان صدام حسین، پنجمین ارتش بزرگ جهان بود اما وقتی لاف زنی صدام به آزمون رسید، عراق همچون ببری کاغذی نمایان شد. در حالی که علی‌اف به جنگ ۲۰۲۰ ناگورنو قره‌باغ به عنوان نشانه‌ای از قدرت آذربایجان اشاره می‌کند، در واقعیت نیروهای آذربایجانی در این جنگ نمایش ضعیفی داشتند تا ترکیه دخالت کرد. آنچه یکجانبه و بواسطه قدرت نظامی بدست آمد می‌تواند به همان سرعت هم از میان برود.

دیکتاتوری‌ها، مستحکم به نظر می‌رسند تا روزی که لحظه مرگشان برسد. شاید آذربایجان نمای درخشانی داشته باشد اما بنیادش پوسیده است. شرط بندی روی یک شراکت پایدار با آذربایجان، همچون قماری به نظر می‌رسد که مخاطرات فراوانی دارد. / واشنگتن گزماینر / دیپلماسی ایرانی

نرخ تولید در بزرگترین اقتصادهای جهان رو به کاهش است



بازگشایی اقتصادی و بازگشت مصرف کنندگان به رستوران ها و بخش گردشگری، در ۳ ماه اول سال ۲۰۲۲ درصد رشد از خود نشان داده است. در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته، اقتصاد چین رشدی ۴٫۵ درصدی را تجربه کرده است.

چشم انداز محتاطانه تولید کنندگان بزرگ

فاکس کان، تولید کننده چندملیتی قطعات الکترونیکی و تامین کننده اصلی شرکت اپل انتظار دارد در آمد حاصل از محصولات ابری و شبکه این کارخانه در سال جاری ثابت باقی بماند و در ۳ ماه دوم سال کاهش پیدا کند. رئیس این شرکت به تازگی اعلام کرده که نسبت به وضعیت مالی شرکت خود در ماه های آینده چشم اندازی محتاطانه دارد. غول تولیدی ۳M که در زمینه تولید قطعات الکترونیکی فعالیت دارد هم به تازگی اعلام کرد که این شرکت به شدت تحت تاثیر کاهش شدید تقاضا از سوی مصرف کنندگان کالاهای الکترونیک قرار گرفته است و در نتیجه قصد دارد ۶ هزار نیروی کار خود در سرتاسر جهان را اخراج کند. نظرسنجی اخیر انجمن ملی تولید کنندگان نشان از آن دارد که ۶۷ درصد از تولید کنندگان آمریکایی نسبت به آینده شرکت خود امیدوارند. این رقم کمترین میزان امیدواری از سال ۲۰۲۰ تا کنون بوده است. ناتوانی در حفظ کارگران کارآمد، اقتصاد محلی ضعیف و اقلیم نامساعد کسب و کار اصلی ترین چالش های تولید کنندگان آمریکایی بوده اند.

اختیاری اولین گزینه ای است که مصرف کنندگان در دوران فشار اقتصادی آن را حذف می کنند و افزایش گزینه هایی که مصرف کننده تحت فشار مالی وادار به حذف آنها می شود، برای تولید کنندگان خبر خوبی نخواهد بود.

اقتصاد دانان در فدرال رزرو، بانک مرکزی آمریکا، اصرار دارند که در نیمه دوم سال جاری اقتصاد آمریکا دچار رکود خواهد شد، حتی با وجود اینکه وضعیت بازار کار در این کشور تثبیت شده باقی مانده است. همچنین داده های جدید نشان از آن دارند که ۲۰ کشور در منطقه یورو در اواخر سال جاری به سمت رکود متمایل خواهند شد. تولید ناخالص داخلی منطقه یورو نسبت به ۳ ماه اول سال ۲۰۲۱ درصد کاهش داشته است. این کاهش به دنبال کاهش ۰٫۱ درصدی بود که اقتصاد منطقه یورو در ۳ ماه آخر سال گذشته تجربه کرده بود. با این همه تولید اقتصادی در این منطقه در ۳ ماه اول سال جاری ۰٫۱ درصد افزایش داشته است. آلمان، بزرگترین اقتصاد اروپا نسبت به دیگر کشورهای منطقه یورو در سال جاری کاهش اقتصادی شدیدی را احساس کرد و به سمت رکود پیش رفت. اقتصاد این کشور در ۳ ماه آخر سال گذشته ۰٫۵ درصد و در ۳ ماه اول سال جاری ۰٫۳ درصد منقبض شد.

با وجود اینکه روند افزایش قیمت در آمریکا و منطقه یورو کاهش یافته است، اما افزایش نرخ بهره و تورم بالا فشار زیادی را به مصرف کنندگان و کسب و کارها وارد می آورد. در این میان، تنها اقتصاد چین است که تحت تاثیر حذف محدودیت های کرونایی،

شرکت گلوبال S&P در گزارش جدید خود داده های نظرسنجی تجاری جدیدی را منتشر کرده است که براساس این داده ها، کارخانجات آمریکا و سرتاسر منطقه یورو در ماه می با کاهش سفارش های جدید برای کالاهای تولیدی مواجه شده اند، در حالی که همچنان درگیر سفارش های عقب مانده خود از دوران آغاز همه گیری کرونا هستند. مشخص نیست این سفارش های عقب افتاده تا چه زمانی بتواند بخش تولید را در سطح جهان سرپا حفظ کند. گزارش جدید نشان می دهد بخش تولید در آمریکا در ماه می در آستانه انقباض قرار گرفته است. نظرسنجی دیگری که توسط موسسه سوپرای منجمت منتشر شده است نشان می دهد صنعت تولید آمریکا در ماه می برای هفتمین ماه متوالی با سرعتی بیشتر از ماه قبل منقبض شده است. داده های دولت آمریکا هم آنچه ممکن است عامل آغاز یک کاهش پایدار باشد را نشان می دهد. وزارت بازرگانی آمریکا اعلام کرد سفارش های کارخانه ای، به جز در بخش حمل و نقل، در ماه آوریل برای سومین ماه متوالی کاهش پیدا کرده است. همچنین به جز بخش دفاع، تولیدات کارخانه ای از ماه آوریل به بعد در ۴ ماه از ۶ ماه گذشته روندی کاهشی داشته اند. براساس داده های شرکت گلوبال S&P نرخ تولید، سفارش های جدید و سفارش های عقب مانده در میان تولید کنندگان منطقه یورو هم در ماه می همگی روندی کاهشی پیدا کرده اند. تولیدات صنعتی ۲۰ کشور در این منطقه در ماه مارس به شدت کاهش پیدا کرد که اصلی ترین دلیل آن کاهش تولید در ایرلند بوده است. در چین هم وضعیت چندان مساعدتر نیست. اگرچه شرایط صنعت تولید در چین که مالک بزرگترین صنعت تولید در جهان است، در ماه می بهبود پیدا کرد و به صورت موقتی موجب آسودگی خیال سرمایه گذارانی شد که نگران توقف رشد اقتصادی در دومین اقتصاد بزرگ جهان بودند، اما داده های اخیر نشان از کاهش ۷٫۵ درصدی صادرات چین در ماه می دارند. این بزرگترین نرخ کاهش از ابتدای سال تا کنون بوده است. ارقام سست تجاری چین بازتاب دهنده کاهش تقاضا برای کالاهای چینی است. این مشکل تنها یکی از مشکلات متعدد اقتصاد چین، از جمله افزایش نرخ بیکاری و رکود شدید در بخش املاک است. از سویی دیگر شاخص سفارش مدیران تولید جهانی جی پی مورگان خوش بینی تولید کنندگان از پایان سال گذشته تا کنون به پایین ترین سطح خود رسیده است. تحلیلگران بسیاری باور دارند اگرچه در ماه می ظاهراً فعالیت در بخش تولید بهبود یافت، اما این بهبود ناشی از رشد بالای بازارهای در حال ظهور بوده است. در واقعیت، چشم انداز صنعت تولید در جهان تاریک است و در نتیجه آن سفارش های جدید صادراتی به شدت کاهش پیدا کرده اند.

عامل این ضعف چیست؟

به گفته اقتصاد دانان، در بحبوحه همه گیری کرونا، مصرف کنندگان در سرتاسر جهان مجبور شدند تمرکز خود را از خدمات برداشته و به خرید کالا متمایل شوند. با برچیده شدن محدودیت های کرونایی اما این مسیر و رونق و رونق نامیال مصرف کننده متوجه خدمات شد، در حالی که بحران های مالی و تورم باعث افزایش نرخ بهره و ایجاد فشارهای مالی دشوارتر بر تولید کنندگان شد. براساس پیش بینی صندوق بین المللی پول، بازگشایی اقتصادی چین پس از سال ها اعمال محدودیت های کرونایی این انتظار را ایجاد کرده بود که در اقتصاد جهان شتابی تازه ایجاد خواهد شد. اما چین در بازگشت به فعالیت های اقتصادی عملکردی ضعیف از خود نشان داد و به این ترتیب احتمال تقویت اقتصاد جهان به واسطه بازگشت چین روز به روز در حال ضعیف تر شدن است.

اثر خرید اعتباری کالاهای بادوام

ادامه جنگ بانک های مرکزی از جمله بانک مرکزی اروپا و فدرال رزرو، با تورم باعث شده تا نرخ بهره روندی افزایشی داشته باشد تا بلکه نرخ تورم تحت کنترل بماند، اما در مقابل استانداردهای وام دهی بانک ها پیچیده تر و وضعیت اعتباردهی بانک ها هم پس از ادغام اجباری کردیت سوئیس و UBS دشوارتر از گذشته شده است. در این شرایط و با توجه به اینکه اغلب کالاهای بادوام مانند خودرو و لوازم خانگی با استفاده از کارت های اعتباری خریداری می شوند، سخت تر شدن دریافت اعتبار از بانک ها بر دوش تولید کنندگان سنگینی خواهد کرد. تداوم این شرایط و ادامه دار شدن کاهش میزان تقاضا و در نتیجه آن تولید به تدریج منجر به آن خواهد شد که تولید کنندگان جهانی از نیروهای کار خود بکاهند.

کنند شدن شتاب اقتصادی

رکود، ضعیف شدن گسترده اقتصاد به ویژه در بخش مصرف است. خرید کالاهای

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود آریا سازه ارگ به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۳۲۶۲۸ و به شماره ثبت ۱۸۱۰۵۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تصمیحات ذیل اتخاذ شد - آقای پیرخ حسینی هاشمی به کد ملی: ۰۰۴۰۵۳۵۳۲۰ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲- آقای بابک نصراله بیگی به کد ملی: ۲۸۴۹۶۵۴۷۰۲ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل ۳- آقای بهزاد صفائی فرد به کد ملی: ۳۸۷۵۹۴۲۷۴۴ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری و مکاتبات اداری و عادی، با امضاء مدیرعامل شرکت همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۱۸۱۰۱)

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود مهندسین مشاور محیط اندیش پایدار به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۲۹۱۳۰ و به شماره ثبت ۲۹۵۹۷۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۸ تصمیحات ذیل اتخاذ شد آقای مهدی ارجمندراد به شماره ملی ۲۱۴۲۰۶۲۵۵۵ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای سیاوش اکبری به شماره ملی ۳۹۳۴۳۲۲۱۹۶ به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود (خارج از شرکت) انتخاب گردیدند کلیه اسناد و مدارک و اوراق بهاء دار با امضاء منفرد رییس هیئت مدیره و مدیر عامل (آقای سیاوش اکبری) با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۱۸۱۰۴)

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود فولاد مهر پارس سینتا در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۰ به شماره ثبت ۶۱۴۲۷۸ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۳۳۸۲۶۳ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

موضوع فعالیت: انجام کلیه فعالیتهای بازرگانی و اقتصادی مجاز در زمینه مشروحه ذیل ۱- خرید و فروش مواد اولیه و محصولات فولادی و سایر کالاهای مجاز ۲- صادرات و واردات مواد اولیه و محصولات فولادی و سایر کالاهای مجاز ۳- اخذ و اعطای نمایندگی های مجاز داخلی و خارجی ۴- مشارکت در پروژه ها و شرکتها بطور مستقیم و یا با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخل و خارج از کشور ۵- احداث و بهره برداری از هرگونه واحد تولیدی یا خدماتی یا خرید و فروش کلیه کالاهای مجاز ۶- انجام کلیه امور بازرگانی مجاز ۷- اخذ تسهیلات مالی و اعتباری از بانکها و موسسات اعتباری در داخل و یا خارج از کشور ۸- خرید انواع کالاهای مجاز در داخل و یا خارج از کشور برای شرکت ۹- ارائه خدمات مشاوره ای در کلیه امور اقتصادی و بازرگانی و خدماتی مجاز در ارتباط با موضوع فعالیت خرید، فروش، واردات و صادرات و تهیه، بسته بندی، تولید و خدمات پس از فروش کلیه کالاهای مجاز بازرگانی از جمله انواع آهن و فولاد و ملزومات فلزی و صنایع وابسته، و ترخیص کالا از گمرکات داخلی و خارجی و بین المللی، اخذ و اعطای نمایندگی های مجاز بازرگانی از شرکت ها و موسسات داخلی و خارجی، دولتی و حقوق العمل کاری، شرکت در نمایشگاه های بین المللی تخصصی و غیر تخصصی در داخل و خارج کشور، انجام مشاوره های مدیریت در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، باغ صبا، خیابان کلیم کاشانی، کوچه شهید مجید فرشته، پلاک ۸، طبقه ۱، واحد ۱ کد پستی ۱۶۱۳۷۴۵۸۱۱ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم شرکتی هر یک از شرکا ختم ظاهره فرد به شماره ملی ۰۰۴۵۶۲۰۸۵۷ دارندند ۰۰۴۵۶۲۰۸۵۷ ریال سهم شرکتی خاتم مهرزاد ثقفی به شماره ملی ۰۰۶۸۵۰۷۹۵۱ دارندند ۰۰۶۸۵۰۷۹۵۱ ریال سهم شرکتی اعضا هیئت مدیره خاتم ظاهره فرد به شماره ملی ۰۰۴۵۶۲۰۸۵۷ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود خاتم مهرزاد ثقفی به شماره ملی ۰۰۶۸۵۰۷۹۵۱ به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: امضا کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک سفته بروات و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل بتنهاهی بهمهرا مهر شرکت معتبر میباشد. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۱۸۱۰۳)

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود آریا سازه ارگ به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۳۲۶۲۸ و به شماره ثبت ۱۸۱۰۵۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ تصمیحات ذیل اتخاذ شد محل شرکت به آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، عباس آباد-اندیشه، خیابان جهانبانی، خیابان شهید محمدعلی نقدی، پلاک ۱۸، طبقه ۳ به کد پستی: ۱۵۷۶۶۳۵۴۱۴ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۱۸۱۰۵)

چیرگی بر تله‌های ذهنی



سیدحسن اسلامی اردکانی

اخیرا کتابی خواندم که افزون بر عنوانش، نامی که ناشر برای آن مجموعه انتخاب کرده بود برابرم جالب بود. دانشگاه استنفورد «فروست» مجموعه‌ای منتشر می‌کند با عنوان مختصر استنفورد (Stanford Briefs). در این مجموعه، انتشارات دانشگاه یک کتاب جدی و دانشگاهی را با کمترین ارجاعات و کنار گذاشتن زبان فنی و تکنیکی برای استفاده عموم منتشر می‌کند. عنوان کتاب این است «کشودن تله‌های ذهنی رهبری؛ چگونه در دوران پیچیدگی شکوفا شویم» (۲۰۱۹).

ایده اصلی کتاب آن است که مغز ما برای رفتار در جهان پیچیده امروز طراحی نشده است و گویی ما دارای سیستم‌عاملی قدیمی هستیم که قادر به درک و فهم پیچیدگی‌های جهان امروز نیست. طراحی شگفت‌انگیز مغز ما برای جهانی قدیمی، آرام و کمتر به هم پیوسته طراحی شده است، پس نیازمند بازطراحی آن در جهان پیچیده امروز هستیم.

این مایه اصلی بسیاری از کتاب‌هایی است که در عرصه علوم عصب‌شناختی یا علوم‌شناختی منتشر می‌شود. مغز ما، بر خلاف تصور کهنی که از آن داریم، خیلی هم ساختار دقیقی ندارد. بلکه سرشار از «گپ» و «باگ» و «نویز» و خلاصه همه جور عیب و نقصی است. خواندن این دست کتاب‌ها حساسی ما را سرخورده می‌کند تا جایی که در عقل خودمان شک اساسی می‌کنیم. با این حال، کورسویی از امید وجود دارد و انگار می‌توانیم همه آنها را با همین مغز علیل خودمان بشناسیم و آنها را رفع و رجوع کنیم.

نویسنده کتاب خانم جنیفر گاروی برگر که فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد است، کارش (افزون بر داشتن یک موسسه تربیت رهبری) آن است که برای مدیران ارشد کارگاه بگذارد و آنها را با موانع و تله‌های ذهنی آشنا کند و راه غلبه بر آنها را بیاموزاند. به نوشته او در مغز ما پنج چیز عجیب (quirk) وجود دارند که در گذشته کارایی کافی داشتند و خیلی مفید بودند، اما امروزه دیگر کارآمد نیستند و به مانعی برای تفکر درست تبدیل شده‌اند. این پنج دام عبارتند از: (۱) تله داستان‌های ساده و ساده کردن امور (۲) تله خود را بر حق دیدن (۳) تله تلاش برای جلب موافقت و یافتن راه میانه (۴) تله تلاش برای کنترل امور و پیرامون خود و (۵) تله حفظ خود و دفاع از آن و خود را امری تثبیت شده دیدن.

ما به داستان‌های سرراست بیش از واقعیت اهمیت می‌دهیم. خود را در مجموع برحق و دیگران را خاطا کار می‌دانیم، در نتیجه توطئه‌اندیشانه به هر چیزی که مخالف نظر ما است، می‌نگریم و می‌خواهیم با قطعیت زندگی کنیم. کسب موافقت دیگران

از این راه‌ها آن است که باور کنیم که امور پیچیده واقعا پیچیده هستند و دست از ساده‌سازی بکشیم؛ از تلاش برای حفظ یک هویت به هر قیمتی دست بکشیم و بدانیم که همان گونه که در طول زمان شکل گرفته‌ایم باز در ادامه زندگی خود شکل‌های تازه‌ای به خود خواهیم گرفت؛ با خودمان و عواطفمان پیوند نزدیک‌تری برقرار کنیم و دست به خودشناسی بزنیم؛ به جای مهار بیرون، بکوشیم بر پیرامون خود تاثیرگذار باشیم و سرانجام ابهام را به مثابه بخشی از جهان بپذیریم و با آن کنار بیاییم. این کتاب ترجمه شده است که آن را ندیده‌ام (بودن در عصر پیچیدگی و ابهام، ترجمه محمد حسین نقوی و ایمان سرایی، نشر میلکان). این هم مشخصات عنوان اصلی کتاب برای علاقه‌مندان:

Unlocking leadership mindtraps: how to thrive in complexity,
Jennifer Garvey Berger, Stanford briefs An Imprint of Stanford
University Press.

و همسویی و هم‌رنگی برای ما اهمیت حیاتی دارد. می‌خواهیم تا جای ممکن همه چیز را مهار کنیم و بر اوضاع مسلط باشیم و سرانجام آنکه فکر می‌کنیم هر تغییری که باید کرده باشیم، تاکنون کرده‌ایم و دیگر تغییری نخواهیم کرد و به اوج هویت خود دست یافته‌ایم.

در گذشته، این تله‌ها هویت ما را حفظ می‌کرد، مایه همبستگی اجتماعی می‌شد، تکلیف ما را در شرایط بغرنج مشخص می‌کرد و ما را از دغدغه خودشناسی و تغییر خویش باز می‌داشت. اما در جهانی سرشار از عدم قطعیت و رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر این سوگیری‌های پنج‌گانه ذهنی به دامی تبدیل می‌شوند که اجازه فهم واقعیت و تعامل درست با آنها را از ما می‌گیرند. در نتیجه، آنچه زمانی برای ما حیاتی بوده است، اینک فزای ما را رقم می‌زند.

پس از آنکه نویسنده به استناد یافته‌های تازه علوم‌شناختی این تله‌ها و جلوه‌های آنها را برمی‌شمرد، می‌کوشد راه‌هایی برای برون‌شدن آنها به دست دهد. برخی

افسانه چینی عاشقان پروانه

افق اقتصاد- اگرچه فقط پسران اجازه ورود به آکادمی کنفوسیوس را داشتند، چیزی که جویبختی می‌خواست این بود که به مدرسه بروند. او به والدینش التماس کرد که به او اجازه دهند با لباس پسرانه حضور پیدا کند و آنها با دیدن مصمم بودن و لباس میدل‌های هوشمندانه‌اش، در نهایت موافقت کردند- تا زمانی که او هویت خود را مخفی نگه دارد و بعداً به مسیر سنتی که برای او تعیین کرده بودند بازگردد...

۱ جویبختی در حالیکه لباس میدلش را تنظیم می‌کرد، آماده خدا حافظی با والدینش شد. او همیشه یک دختر وظیفه‌شناس بود- در خانه ماندن و خلق آثاری از سوزن‌دوزی باعث افتخار والدینش شد. با این حال، اگرچه فقط پسران اجازه ورود به آکادمی کنفوسیوس در هانگجو را داشتند، چیزی که یبختی واقعا می‌خواست این بود که به مدرسه برود. او به والدینش التماس کرد که اجازه دهند با لباس پسرانه حضور پیدا کند و با دیدن قاطعیت و لباس‌های میدل هوشمندانه‌اش، در نهایت موافقت کردند. با این حال، تنها زمانی به او اجازه دادند که او قول داده بود تا هویت واقعی خود را مخفی نگه دارد و در نهایت به مسیر سنتی که برایش تعیین کرده بودند بازگردد.

۲ یبختی با خوشحالی سفر خود را به هانگجو آغاز کرد. در راه، او خود را بر سر یک دوراهی دید، وقتی مرد جوانی نزدیک شد، مطمئن نبود کدام مسیر را طی کند. همانطور که چشمانشان به هم افتاد، یک ارتباط آنی را به اشتراک گذاشتند. یبختی فهمید که نام او لیانگ شانبو است، و اینکه او هم‌کلاسی او در آکادمی خواهد



۵ شانبو بیمار و روز به روز ضعیف‌تر شد. خانواده‌اش نگران، واسطه‌ای را نزد خانواده جویبختی فرستادند. اما، به دلیل نامزدی فعلی یبختی، پدرش این پیشنهاد را رد کرد. انجام غیر از این باعث شرم اجتماعی خانواده آنها می‌شود. بیماری شانبو بدتر شد و با این حس که زنده نخواهد ماند تا ازدواجش را ببیند شانبو آخرین نامه را به یبختی نوشت. اگر یبختی دوستش داشت، از او می‌خواست که وقتی به سمت خانواده ما می‌رفت، جلوی مقبره‌اش عود بسوزاند. زمانی که روز عروسی یبختی فرا رسید، انگار مراسم ترحیم بود. همانطور که دسته جمعی در شهر زیر آسمان طوفانی می‌رفتند، یبختی جدا شد و در مقابل مقبره شانبو زانو زد. با اشک، عود می‌افروخت و قربانی می‌کرد.

ناگهان صدای سعد و برق از بالا آمد و بارق‌های آبی‌رنگ پرتاب شد، و سنگ را شکست. یبختی بی‌درنگ خود را به داخل انداخت. در حالی که والدینش برای نجات دخترشان هجوم بردند، دو پروانه از شکاف بیرون زدند. این بار، یبختی برای همیشه تبدیل شده بود. سرانجام رها، می‌توانست برای همیشه در کنار شنبو پرواز کند.

۴ وقتی یبختی به خانه برگشت، والدین او اعلام کردند که خانواده‌ی «ما» از روستای همسایه شخصی واسطه را فرستاده بود تا از آنها اجازه بگیرد تا یبختی با پسرشان ازدواج کند. آنها آن را مناسب یافته و پذیرفته بودند. یبختی با تلاش برای پنهان کردن نام‌میدی‌اش، به توافق آنها احترام گذاشت. اما همانطور که برای زندگی جدید دیگری آماده می‌شد، به شنبو فکر کرد.

در همین حال، او نیز حواسش پرت بود- بدون حضور یبختی مطالعه‌اش کند شده بود. وقتی شانبو بالاخره به دیدن خانه یبختی رفت، به یک زن جوان برخورد. می‌خواست برادرش را بخواند، اما وقتی چشمانشان با هم تلاقی کرد، محقق جوانی را که همیشه دوستش داشت، شناخت. شانبو فهمید که تحمل جدایی دوباره از یبختی را ندارد و از او خواست تا با او ازدواج کند. اما یبختی با دلی شکسته به او گفت که پیش از این به دیگری قول داده است. شانبو ویران شده بود، اما فهمید که یبختی باید به مراسم والدینش پایبند بماند، و دوباره از هم جدا شدند.

بود، بنابراین آنها در حال گفتگو، بقیه‌ی راه را با هم طی کردند. یبختی دریافت که برخلاف پوشش میدل دقیقش، احساس می‌کند بالاخره می‌تواند خودش باشد. آن دو تصمیم گرفتند دوستی طولانی و نزدیک را جشن بگیرند و به برادران قسم خورده تبدیل شدند.

۳ در آکادمی، یبختی خود را در کتاب‌ها غرق کرد و تا آخر شب با شنبو درس می‌خواند. آن دو تا زمانی که در کنار یکدیگر بودند احساس می‌کردند که در خانه هستند. آنها اتاق مشترک داشتند، اما با اینکه شانبو در مورد آن از او سوال می‌کرد، یبختی همیشه از حمام به تنهایی استفاده می‌کرد و دکمه‌های خرقه‌اش را تا چانه می‌بست - بدون توجه به آب و هوا. یبختی بارها شنیده بود که دانش‌آموزان درباره رفتار مخفیانه‌اش زمزمه می‌کردند.

همانطور که ماه‌ها به سال‌ها تبدیل می‌شدند، یبختی همچنان در تحصیلاتش برتر بود و احساس می‌کرد گذشته و آینده‌ی مد نظرش- به اندازه یک عمر فاصله دارند. با این حال زمزمه‌ها بلندتر شد. و بعد از سه سال چاره‌ای جز رفتن نداشت در یک جدایی اشک‌آلود، یبختی از شانبو خواست تا به دیدارش برود.



چقدر بیت کوین نیاز دارید که تا پایان سال ۲۰۲۵ پولدار محسوب شوید؟

حامد توانای آزاد

باتوجه به اینکه هر کشور شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد، برای پاسخ به این پرسش برخی از کشورها را در ۵ قاره آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، اروپا، آفریقا و آسیا بررسی می کنیم.

بیت کوین مورد نیاز برای ثروتمند شدن

کشور	تعداد BTC مورد نیاز با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار	قیمت BTC مورد نیاز با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار
ایران	۲.۳	۱۵۷,۵۷۵ دلار
ایران	۱.۴	۹۶,۳۰۸ دلار
ایران	۱.۴	۹۶,۳۰۸ دلار

آفریقا

باتوجه به حقوق کم و وضعیت اقتصادی دشوار مردمان بسیاری از کشورهای این قاره، کسب سود از نوسان های قیمتی ارزهای دیجیتال جذابیت بسیاری پیدا کرده و قاره آفریقا میزبان بسیاری از سرمایه گذاران و علاقه مندان ارزهای دیجیتال است. در سال های گذشته، میزان سرمایه گذاری ارزهای دیجیتال این قاره افزایش یافته است و بسیاری در تلاش اند تا از این راه درآمد داری کسب کنند.

آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی سهم بزرگی از دارندگان ارزهای دیجیتال این قاره را از آن خود کرده است و براساس آخرین آمار، حدود ۱۰ درصد (۵.۸ میلیون نفر) در این کشور دارنده ارز دیجیتال هستند. افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله ۳۳ درصد از دارندگان ارزهای دیجیتال این کشور را تشکیل می دهند و این موضوع نشان می دهد ارزهای دیجیتال در میان جوانان این کشور محبوب است. بیت کوین محبوب ترین ارز دیجیتال در آفریقای جنوبی است و ۸۰ درصد سرمایه گذاران آن را در کیف پول های خود نگه داری می کنند. برای ثروتمند شدن در آفریقای جنوبی، باید حداقل ۱۰۰ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند اهل آفریقای جنوبی نیازمند فروش ۲.۳ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۱.۴ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۱۰۰ هزار دلار	۵۷.۵ هزار دلار	۲.۳	۶۸,۷۸۹ دلار
۱۰۵ هزار دلار	۳۵ هزار دلار	۱.۴	۱۰۰,۰۰۰ دلار

مصر

مصر از جمله کشورهای قاره آفریقا است که قانون گذاری سخت گیرانه ای برای ارزهای دیجیتال ندارد و فضای مناسبی را برای سرمایه گذاری و فعالیت در این بازار فراهم می کند. به همین دلیل، کشور مصر در گزارش چینالیسیس (Chainalysis) درباره پذیرش جهانی ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۲، در میان سی کشور برتر در جایگاه بیست و چهارم قرار گرفت. مصر نیز با مشکلات اقتصادی و تورم مواجه است و مردم این کشور معمولاً از ارزهای دیجیتال برای حفظ ارزش پس انداز و سرمایه های خود استفاده می کنند. براساس آخرین داده های منتشر شده، حدود ۳ درصد (بیش از ۳ میلیون نفر) از کل جمعیت مصر دارنده ارز دیجیتال هستند. برای ثروتمند شدن در مصر، باید حداقل ۷۷ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند مصری نیازمند فروش ۱.۷۶ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۱.۰۳ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۷۷ هزار دلار	۴۴ هزار دلار	۱.۷۶	۶۸,۷۸۹ دلار
۷۷.۳ هزار دلار	۲۵.۷ هزار دلار	۱.۰۳	۱۰۰,۰۰۰ دلار

ایران

باتوجه به داشتن بیشترین جمعیت در بین کشورهای خاورمیانه، محبوبیت و افزایش استفاده از ارزهای دیجیتال در ایران اهمیت بسیاری در این منطقه دارد. در نتیجه شرایط بد اقتصادی و تحریم ها، استفاده از ارزهای دیجیتال در میان مردم کشور گسترش پیدا کرده و به عنوان راهی برای سرمایه گذاری و کسب درآمد دلاری شناخته شده است. در سه سال گذشته، استفاده و سرمایه گذاری از ارزهای دیجیتال در ایران رشد بسیار زیادی کرده است. صرافی نوبیتکس در گزارش سالانه خود اعلام کرده است که تعداد کاربران آن از ۳۹۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۲ رسیده است.

متأسفانه آمار دقیقی از میزان دارندگان حال حاضر ارزهای دیجیتال کشور وجود ندارد. جدیدترین گزارش منتشر شده درباره این موضوع به اردیبهشت ۱۴۰۰ برمی گردد که در آن، خبرگزاری مهر از ورود ۱۲ میلیون نفر ایرانی به بازار ارزهای دیجیتال خبر داد. همچنین باتوجه به نبود شفافیت مناسب در حوزه اقتصادی کشور، از میزان حقوق و درآمد اطلاعات دقیقی در دست نیست که در محاسبه میزان بیت کوین مورد نیاز برای ثروتمند شدن مشکلاتی ایجاد می کند.

برای بررسی این موضوع داده های کشور لبنان را بررسی کردیم؛ کشوری که براساس برخی داده ها پس از ایران بیشترین تورم را دارد. در این کشور برای پولدار شدن حداقل به ۵۱ هزار دلار سرمایه نیاز دارید.

در ادامه این مقاله، حداقل دارایی خالص برای پولدار شدن در ایران را به صورت تخمینی ۱۰۰ هزار دلار (حدود ۵ میلیارد تومان) در نظر گرفتیم؛ در نتیجه شهروند ایرانی برای پولدار شدن با بیت کوین، نیازمند فروش ۲.۳ بیت کوین ۶۸,۷۸۹ دلاری یا ۱.۳۴ بیت کوین ۱۰۰ هزار دلاری است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۱۰۰.۷ هزار دلار	۵۷.۵ هزار دلار	۲.۳	۶۸,۷۸۹ دلار
۱۰۰.۵ هزار دلار	۳۳.۵ هزار دلار	۱.۳۴	۱۰۰,۰۰۰ دلار

آسیا و خاورمیانه

جمعیت قاره آسیا بیش از ۴.۷ میلیارد نفر است و باتوجه به این آمار، طبیعی است که اکثر سرمایه گذاران ارزهای دیجیتال در این قاره هستند. براساس جدیدترین داده های منتشر شده، بیش از ۲۶۰ میلیون مالک ارزهای دیجیتال در آسیا و خاورمیانه حضور دارند؛ در حالی که مجموع کل دارندگان ارزهای دیجیتال در قاره های آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، اروپا، آفریقا و اقیانوسیه بیش از ۱۳۳ میلیون نفر هستند. مانند قاره آفریقا، در خاورمیانه نیز باتوجه به شرایط اقتصادی بد بسیاری از کشورها معاملات و سرمایه گذاری در ارزهای دیجیتال گسترش پیدا کرده است و این دارایی های دیجیتال راه حلی برای محافظت در برابر بحران های اقتصادی و تورم و فرصت های طلایی برای کسب سود و ثروتمند شدن را در اختیار مردم این منطقه قرار داده اند.

ژاپن

باتوجه به نظارت قوی دولت ژاپن، این کشور به محیط مناسبی برای سرمایه گذاری و فعالیت های ارز دیجیتال تبدیل شده است. ژاپن جزو اولین کشورهای جهان است که ارزهای دیجیتال را به عنوان یکی از ابزارهای پرداختی به رسمیت شناخت و تا به امروز به عنوان یکی از حامیان شکوفایی صنعت ارزهای دیجیتال عمل کرده است. با وجود این، مردم ژاپن استقبال چشمگیری از این دارایی های دیجیتال نکرده اند و براساس جدیدترین داده های منتشر شده، تنها ۴ درصد (حدود ۵ میلیون نفر) از جمعیت ژاپن صاحب ارزهای دیجیتال هستند. برای ثروتمند شدن در ژاپن، باید حداقل ۶۵۱ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند ژاپنی نیازمند فروش ۱۴.۸۷ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۸.۶۸ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۶۵۱.۱ هزار دلار	۳۷۱.۷ هزار دلار	۱۴.۸۷	۶۸,۷۸۹ دلار
۶۵۱ هزار دلار	۲۱۷ هزار دلار	۸.۶۸	۱۰۰,۰۰۰ دلار

چین

با وجود سخت گیری ها و ممنوعیت های مختلف دولت چین در بازار ارزهای دیجیتال، این دارایی ها در این کشور همچنان پرکاربردند و ۵.۵ درصد از جمعیت این کشور (بیش از ۱۹ میلیون نفر) صاحب ارز دیجیتال هستند. در حالی که بیت کوین یکی از ارزهای دیجیتال محبوب در میان سرمایه گذاران چینی به شمار می رود، دولت این کشور با سرمایه گذاری و استفاده از این ارز دیجیتال مخالف است.

ناگفته نماند به مرور زمان و در سال های آینده با عرضه ارز دیجیتال بانک مرکزی چین، پیش بینی می شود تا سهم بیت کوین از کیف پول دارندگان ارزهای دیجیتال این کشور کاهش پیدا کند.

برای ثروتمند شدن در چین، باید حداقل ۳۶۶ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند چینی نیازمند فروش ۸.۳۶ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۴.۸۸ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۳۶۶ هزار دلار	۲۰۹ هزار دلار	۸.۳۶	۶۸,۷۸۹ دلار
۳۶۶ هزار دلار	۱۲۲ هزار دلار	۴.۸۸	۱۰۰,۰۰۰ دلار

امارات

در منطقه خاورمیانه، امارات از جمله کشورهای پیشرو در توسعه و پشتیبانی از ارزهای دیجیتال است. داده ها نشان می دهند که بیش از یک سوم مردم این کشور حداقل یک بار از ارزهای دیجیتال استفاده کرده اند که آمار بسیار درخور توجهی است. باتوجه به اقتصاد قدرتمند امارات متحده عربی، تعداد بیت کوین مورد نیاز برای ثروتمند شدن در این کشور بسیار زیاد است و با انگلیس برابری می کند.

برای ثروتمند شدن در امارات، باید حداقل ۸۳۰ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند اماراتی نیازمند فروش ۱۸.۹۶ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۱۱.۰۷ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۸۳۰.۲ هزار دلار	۴۷۴ هزار دلار	۱۸.۹۶	۶۸,۷۸۹ دلار
۸۳۰.۳ هزار دلار	۲۷۶.۷ هزار دلار	۱۱.۰۷	۱۰۰,۰۰۰ دلار

جمع بندی

همان طور که با مطالعه این مقاله متوجه شدید، تعداد بیت کوین های مورد نیاز برای پولدار شدن در هر کشور بسته به شرایط اقتصادی متفاوت است. همچنین، به این نکته باید اشاره کنیم که داده های این مقاله ساده شده اند و بسیاری از عوامل مانند مالیات، نحوه کسب درآمد، پیدا کردن کار و میانگین حقوق در نظر گرفته نشده اند. این عوامل می توانند خرید بیت کوین های مورد نیاز را در کشوری در مقایسه با کشور دیگر آسان تر یا دشوارتر کند. با این حال، روند پولدار شدن فرضیه در تمامی کشورهای بررسی شده یکسان و فقط کافی است بیت کوین های خود را بخرید و سپس در کیف پولی امن مانند کیف پول های سخت افزاری ذخیره کنید تا در زمانی که بیت کوین به اوج های قیمتی رسید، آن ها را بفروشید.

بیت کوین مورد نیاز برای ثروتمند شدن

در قاره آسیا و منطقه خاورمیانه

کشور	تعداد BTC مورد نیاز با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار	قیمت BTC مورد نیاز با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار
ایران	۲.۳	۱۵۷,۵۷۵ دلار
ایران	۱.۴	۹۶,۳۰۸ دلار
ایران	۱.۴	۹۶,۳۰۸ دلار

- آیا فکر می کنید بدون این که جامعه عوض شود و ما همین مردم باشیم، می توان به یک کشور پیشرفته تبدیل شد؟
- فکر می کنید نسل ما چه اشتباهاتی کرده که نسل شما نباید انجام دهد؟
- نسل ما چه کارهایی نکرده است که نسل شما باید آن را انجام دهد؟
- فکر می کنید نسل ما چه خطایی کرد و کجا به خطر افتیم که کار ما به این جا کشید؟
- فرض کنید تا صد سال دیگر، همین دولت با همین سطح از توانمندی باشد و کیفیت اداره کشور تغییر نکند، من و شما به عنوان شهروند چه می توانیم بکنیم که اوضاع بهتر شود؟
- با توجه به ظرفیت های کشور و تصویر که از آینده دارید باید در چه حوزه هایی، مهارت هایی، رشته هایی، صناعی سرمایه گذاری کرد، چرا؟
- انشای مهم ترین درس و مهم ترین رنگ است. انشا سرآغاز دوباره اندیشیدن است. رنگ انشا، رنگ توسعه است.

رنگ انشا، رنگ توسعه

- ۱ بیش از آنکه روی محتوای اندیشه تمرکز کنم، روی بیان اندیشه (شیوه انتقال اندیشه، سازماندهی، مقدمه چینی، ساختار منطقی نوشتن) و مهم تر از آن روی تبیین اندیشه (یعنی شیوه اندیشیدن، چگونگی استدلال آوری، کفایت شواهد و مدارک پشت هر ایده) تاکید می کردم.
- ۲ بیست درصد از رنگ انشا را به تدریس تفکر انتقادی موشکافانه (Critical Thinking) و آموزش مغالطه ها تخصیص می دادم. دانش آموزی که مدام مطلب بنویسد اما نداند که چگونه باید موشکافانه به امور نگاه کند از کجا باید بهتر شود و ارتقا پیدا کند؟
- ۳ دانش آموزان را تشویق می کردم که انشا (اندیشه) هم کلاسی هایشان را خوب گوش کنند و جلسه بعدی انشای او را نقد کنند. موضوع انشا جلسه بعدی: نقد انشا آرمن است! در یک گام بالاتر مسابقاتی مانند National Speech and Debate Tournament توی مدرسه هم راه می انداختم تا تیم ها به هم نگاه کنند.
- ۴ دانش آموزان را تشویق می کردم که انشا دسته جمعی بنویسند و از آن به صورت جمعی دفاع کنند.
- ۵ موضوعاتی را به عنوان موضوع انشا انتخاب می کردم که درد روزگار ماست: مثلاً: اگر یک استاندار فکر کند که همه شهروندان حرف و خواسته اشتباه دارند چه باید بکند؟ به عقیده خودش عمل کند و برای همه مردم تصمیم بگیرد یا اینکه به عقیده مردم احترام بگذارد؟
- چون همه دروغ می گویند، یا چون همه دزدی می کنند، پس من هم دروغ می گویم و می دزدم! این جمله را نقد کنید!
- شاعر گفته: «تو یکی نه ای هزاری تو چراغ خود برافروز» این جمله برای ایران امروز ما چه معنی ای دارد؟
- فکر می کنید چرا با داشتن رتبه اول مجموع ذخایر گاز و نفت در جهان، هنوز یک کشور پیشرفته نیستیم؟



کارتون واسکو گارگالو - ایران کارتون

مجتبی لشکرلوکی | استراتژیست

نمی دانم این روزها در مدارس ما وضعیت درس و امتحان انشا چگونه است؟ آما زمان ما که افتضاح بود. سال های سال انشا نوشتیم دریغ از اینکه بدانیم هدف چیست؟ دریغ از اینکه طریقه درست فکر کردن، نوشتن، بیان مساله، مقدمه چینی، نتیجه گیری را به ما بیاموزند. دریغ از یک باز خورد درست! دریغ از اینکه به صورت یک جدول بگویند که بر اساس این ده مولفه امتیاز تو چنین بوده است.

من اگر بخوام سطح سواد واقعی یک نظام آموزشی را فقط و فقط بر اساس یک آزمون بسنجم بر اساس آزمون انشا می سنجم. چرا؟

چون دقیقاً در انشا است که می توان فهمید که آیا دانش آموزی که سال هاست به او فرمول های ریاضی خوراندند و چپانده ایم؟ آیا سواد محاسباتی پیدا کرده و اهل حساب شده یا اینکه فقط فرمول و تابع حفظ کرده؟ آیا می تواند حساب و کتاب کند و گزینه ای را بر گزینه ای دیگر ترجیح بدهد؟ آیا در متن انشایش از تحلیل آماری، در نظر گرفتن احتمالات، تضاد حسابی و هندسی و ارزش زمانی پول نشانه ای وجود دارد یا نه؟ از متن انشای می توان مطمئن شد که دانش آموز مادر اثر گذارندن دروس علوم (فیزیک و شیمی و زیست) توانسته نگاه علمی-تجربی مبتنی بر واقعیت ها به جهان هستی داشته باشد یا نه؟ آیا آزمایش گری، ابطال پذیری و جستجوی حقیقت در متن او موج می زند یا اینکه مبتنی بر باورهای رایج، خرافات و اندیشه های آزمون نشده است؟

من از انشا می توانم بفهمم که آیا دانش آموز در ادبیات فقط دستور زبان یاد گرفته یا اینکه می تواند منظورش را به شیوایی بیان کند؟ آیا این همه شعر و غزل و دوبیتی که حفظ کرده، قدرت بیان و تبیین او را افزوده است؟

من از انشا می توانم بفهمم که... دیگر ادامه نمی دهم. فکر می کنم ایده اصلی پشت حرف من را گرفته اید. تمام دروس دیگر در انشا باید خودش را نشان دهد و گزینه اطلاعات و داده وارد مغز ما کرده ایم اما دانش و فرهیختگی تحویل نگرفته ایم. به همین خاطر است که آزمون GRE که مبنای پذیرش دانشگاه های آمریکاست، یکی از مهم ترین بخش هایش نگارش تحلیلی است. (یادآوری: ظاهراً انشا بدون همزه درست تر از انشاء است. البته هر دو مقبول است.)

تجویز راهبردی
اگر معلم انشا بودم:

رکورد آسفالت در شهر کرج شکست

شهردار کرج: رکورد تولید و توزیع آسفالت در مقایسه با سال گذشته شکسته شد



شهردار کرج از تولید و توزیع بیش از ۷۲ هزار تن آسفالت طی سه ماهه سال جاری خبر داد و گفت: با تحقق این مهم، رکورد ۲ ماهه اول سال جاری در مقایسه با مدت مشابه در ۸ سال گذشته شکسته شد.

مهرداد کیانی اظهار داشت: با وجود افزایش ۶۰ درصدی قیمت قیر و مصالح سنگی به منظور تولید آسفالت، همواره هدف مدیریت شهری ارائه مطلوب تر خدمات آسفالت به مناطق ۱۰ گانه علی الخصوص مناطق کم برخوردار است.

کیانی با اشاره به توزیع بیش از ۱۵ هزار تن آسفالت به مساحت تقریبی ۹۷ هزار مترمربع طی ماه گذشته در سطح مناطق شهر کرج، یادآور شد که نهضت آسفالت و ساماندهی معابر با حمایت های اعضای محترم شورا و معاون مالی و اقتصادی و بارعایت اصول فنی و زیرسازی های لازم در حال اجراست. شهردار کرج با بیان اینکه نهضت آسفالت با کیفیت مطلوب به منظور ارتقاء کیفی و مناسب سازی معابر، اجرا می شود، عنوان کرد: در حال حاضر اجرای عملیات تولید و پخش آسفالت با چند اکیپ فعال به صورت شبانه روزی با نظارت دقیق نیروهای اداره معابر شهری سازمان در سطح مناطق پیگیری می شود.

کیانی گفت: امید است با توجه به مساعد بودن شرایط جوی در فصل تابستان و اقدامات صورت گرفته به منظور به کارگیری پیمانکاران حمل و پخش مکانیزه آسفالت و با تلاش شبانه روزی همکاران در حوزه آسفالت، بتوانیم موجبات رضایتمندی شهروندان را فراهم کنیم.

شهرداری کرج پایه پای دستگاه ها برای مدیریت سیل جاده چالوس تلاش کرد

شهردار کرج گفت: بارندگی و سیلی که در جاده چالوس رخ داد در چند سال گذشته بی سابقه بود و شاهد حجم زیادی از بارندگی بودیم که طبیعتاً مشکلات زیادی ایجاد کرد اما با بسیج دستگاه ها این مشکل در کمترین زمان ممکن، مدیریت شد. مهرداد کیانی اظهار داشت: شهرداری کرج هر جایی که لازم باشد به عنوان خدمتگزار مردم، حضور فعال خواهد داشت. وی در ادامه با اشاره به اینکه تلاش می کنیم ایستگاه مترو شهید سلطانی تا آخر سال به بهره برداری برسد، گفت: سال ها است مردم

بهسازی ۱۲ هزار متر مربع از ورودی شهر کرج

شهردار کرج گفت: عملیات بهسازی در ۱۲ هزار متر مربع از ورودی شهر کرج انجام شد؛ این عملیات که در محدوده پل فردیس اجرا شد شامل بهسازی، خاکریزی و کاشت گل و نهال بوده است. مهرداد کیانی افزود: نمای نامناسب این ورودی در کنار ترافیک سنگین، تصویر و ذهنیت نامطلوبی را در ذهن مسافران و خودروهای عبوری به جا گذاشته بود که با تلاش همکارانم در سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری، این عرصه بهسازی و ورودی شهر اصلاح شد.

کیانی با بیان اینکه ورودی های شهری به عنوان یکی از نخستین نماهای شهر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند، اضافه کرد: به طور حتم آنچه تصویر ثانویه ما را از یک شهر یا منطقه به وجود می آورد منظره ای است که در بدو ورود با آن روبرو می شویم.

وی افزود: کرج شهری زیباست که متأسفانه به دلیل نبود ورودی های مناسب ذهنیت نادرستی را در ذهن مسافران ایجاد می کند. از این رو بهسازی و زیباسازی ورودی ها در دستور کار شهرداری و به ویژه سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری قرار گرفت. کیانی با بیان اینکه در مواردی حتی شاهد چرای دام در این ورودی شهر بودیم، اذعان کرد: بر همین اساس اصلاح و بهسازی ورودی شهرستان کرج از سمت فردیس در اولویت قرار داده شد. به گفته شهردار کرج، به همت تلاش مستمر همکارانم در این سازمان، پس از اجرای عملیات اصلاح هندسی، بیش از ۲۰ گونه گیاهی در مسیر کاشته شده تا بتواند منظره زیبا و سبزی را در مقابل چشم مسافران قرار دهد.

وی، خاکریزی حجیم برای این عملیات را مورد اشاره قرار داد و اضافه کرد: بخش عمده فعالیت شهرداری برای اصلاح و بهسازی ورودی کرج از سمت فردیس در این بخش انجام شده است که امیدواریم بتواند رضایت خاطر مسافران و شهروندان را فراهم کند.

کرج منتظر راه اندازی مترو هستند که خوشبختانه سال گذشته موفق شدیم ۵ کیلومتر از آن را با یک رام قطار، به صورت آزمایشی راه اندازی کنیم. کیانی با بیان اینکه تلاش می کنیم ایستگاه ها را یک به یک آماده بهره برداری کنیم، ادامه داد: با تلاش همکارانم و برنامه ریزی صورت گرفته امیدوارم بتوانیم تا پایان سال مترو کرج را به ایستگاه شهید سلطانی و در نهایت تهران متصل کنیم. شهردار کرج گفت: امسال ۶ هزار میلیارد ریال برای توسعه مترو کرج اختصاص یافته که این اعتبار باعث می شود ایستگاه راه اندازی شود.

بخشی از بزرگراه شمالی کرج زیر بار ترافیکی می رود

مهرداد کیانی در ادامه به پروژه بزرگراه شمالی اشاره کرد و گفت: این بزرگراه یک پروژه ملی است که متأسفانه هزینه های آن به گردن شهرداری کرج و مردم کرج افتاده است. کیانی با اشاره به پل B1 افزود: این پل منحصر به فرد از نظر ارتفاع (۱۳۸ متر) در ایران بی نظیر است. این پل از نظر تکنیکی و فنی هم منحصر به فرد بوده چرا که با تکنولوژی روز دنیا در حال ساخت است، ضمن آنکه تمام نیروهای آن بومی هستند. شهردار کرج افزود: با برنامه ریزی صورت گرفته پیش بینی می شود در ماه های آینده ۶ کیلومتر از این بزرگراه که در داخل شهر کرج است زیر بار ترافیکی برود.